

سیری در نسخهٔ صیدنامهٔ خانی اثر مولا محمد سلیم رازی

محبوبه مسلمی زاده (استادیار دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

ایذه خوزستان)

شهیده مکوندی (دانشجوی کارشناسی ارشد همان واحد)

۱ مقدمه

نظام‌های دامداری از شکارگری ابتدایی و رام کردن حیوانات نشئت گرفته است. انتقال دانسته‌ها در باب جانوران شکاری و فنون شکار با آنها، مسئلهٔ ضبط آنها را پیش آورده و موجب پدید آمدن شکارنامه‌ها و صیدیه‌ها همچنین پیشه‌ها و تخصص‌های چندی شده است. در عصر اسلامی، مسلمانان، معلومات تازه‌ای از ایرانیان و رومیان دربارهٔ شکار کسب کردند. خلفای عباسی پرندگان شکاری و سگ‌های شکاری و شکاربانان و قوش‌داران را به خدمت گرفتند و سرزمین‌هایی را به آنان تیول دادند. اینان فارغ از دربان و حاجب به نزد خلیفه بار می‌یافتند. شاعران درباری در مدح سگان شکاری و بازهای خلیفه قصیده می‌سرودند؛ و نویسندگان به نوشتن بازنامه و صیدنامه رو می‌آوردند، تألیفاتی به زبان فارسی یا ترجمه‌هایی، خواه مستقل خواه مندرج در کتب طبیعت‌شناسی یا دانشنامه‌ها در نقاط متعدد ایران پدید آمد. در این فن، از زبان‌های رومی و هندی و ترکی به زبان‌های فارسی و عربی از آغاز فقه‌نگاری در کتب فقهی، ابوابی در صید و ذبایح و

احکام مربوط به آنها تألیف شده است. مؤلفان، با دقت در احوال و اطوار، به معلوماتی در جانورشناسی و دامپزشکی و داروشناسی دست می‌یافتند که بعضاً در صیدنامه‌ها درج می‌شد و نمونه‌های متعدد از آن را در بازنامهٔ نسوی (← اذکائی، ج ۱، ص ۵-۱۰) می‌یابیم.

۱-۱ صیدنامه‌نویسی و صیدنامه‌ها

شکارنامه - با نام‌های متعدد از جمله اشکره‌نامه، صیدنامه، جوارح‌نامه، کتاب‌البیزره یا کتاب‌البزدره، کتاب شکره‌داری، کتاب‌البزاه، کتاب‌الجوارح، بازنامه - به تألیفاتی اطلاق شده است که در وصف انواع پرندگان شکاری، چگونگی پرورش و نگهداری آنها، شیوه‌های شکار با آنها، بیماری‌های آنها و طرق درمان این بیماری‌ها نوشته شده است.

بنابر اسناد بابلی، در عهد هخامنشیان (قرن‌های ۶-۴ پیش از میلاد) ادارهٔ بازیاری از جملهٔ ادارات پادشاهی بوده است (← تاریخ ایران کیمبریج، ج ۲، ص ۵۷۹-۵۸۰). آیین بسیار کهن رها کردن بازها در جشن‌های نوروز، که «مرغ‌نوروزی» جانشین آن شد، رسم رایج دیرین بوده است. تداول واژه‌های «باز» و «بازیاری» و دیگر مشتقات آن به‌ویژه اسامی ایرانی پرندگان شکاری و آلات و اسباب شکار در میان آرامیان و اعراب و ارمنیان و دیگر اقوام گواه بر آن است که این فن در مناطق کوهستانی سرزمین‌های شرقی اسلام نشئت گرفته است (← همان، ج ۱/۳، ص ۱۰۳ و ۴۹۷). از بازنامه‌های ایرانی عهد ساسانی، عنوان چهار اثر به شرح زیر شناخته شده است: *کتاب بهرام بن شاپور* ظاهراً بهرام (پنجم) گور ساسانی (پادشاهی: ۴۲۱-۴۳۹ م)؛ *بازنامهٔ جاماسب*، که گویا به نام قباد بن فیروز ساسانی (پادشاهی: ۳۸۸ به بعد) تألیف شده بوده است؛ *بازنامه / شکارنامهٔ نوشیروانی* به زبان پهلوی منسوب به بزرگمهر حکیم که گفته‌اند اصل آن به عهد فریدون بازمی‌گردد و در عهد انوشیروان (پادشاهی: ۵۳۹-۵۷۹ م) دیگر بار تدوین شده است. *فخرالدین رازی* (۵۴۴-۶۰۶) در کتاب *سینّی* (بمبئی ۱۳۳۳، ص ۱۴۳-۱۴۴) آن را بازنامهٔ کسری نوشیروان خوانده است؛ *بازنامهٔ پرویز ملک‌الفرس*. (پادشاهی: ۵۹۰-۶۲۸ م)

متون صیدیهٔ عربی و فارسی دو دسته‌اند: یکی آثاری با عنوان *صید و جوارح* در باب شکار و بازیاری و آداب پرورش و بیماری‌ها و درمان جانوران شکاری؛ دیگری نوشته‌های فقهی غالباً با عنوان *صید و ذبایح*.

در عالم ادب نیز از دیرباز، اشعار و نوشته‌های مثنوی فراوانی درباره پرنندگان شکاری و اصناف آنها و نحوه صید با آنها پدید آمده است که می‌توان عنوان «ادب الصید» برای آنها قایل شد. (← دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، ذیل صیدنامه، ص ۲۰۶)
در عصر صفوی صیدنامه‌های متعددی پدید آمده که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌شود:

بازنامه، رساله‌ای که در سال ۹۷۰ نوشته شده و فرهنگواره فنی دارد. صید(نامه)، رساله در بیان انواع جانوران و آداب صید اثر فیض‌الله تفرشی که برای شاه تهماسب صفوی (سلطنت: ۹۳۰-۹۴۸) در سه باب و یک خاتمه نوشته شده است. شکار(نامه)، نوشته سید حسین بن روح‌الله حسینی طبسی متخلص به لسان و ملقب به صدر جهان (۹۷۴ق) که به دستور سلطان قطب شاه از ملوک طوائف در دکن هند تألیف شده است. این کتاب، شامل مقدمه و ده باب و خاتمه، به ترتیب تهجی نام جانوران (عربی و فارسی و ترکی و هندی) مرتب گشته است. پس از وصف هر جانوری حکم آن در پنبج مذهب و خاصیت آن آمده است. در آن، احکام شکار و کشتار بنا بر فقه شیعی با اشاره به نظر اهل سنت ذکر شده است. بازنامه، از محب علی ملقب به خان خاص محلی ابن نظام‌الدین علی مرغلانی. در تربیت مرغان، بازنامه، سروده سال ۱۰۳۶، در هنر شکار و دامپزشکی و پرنندگان. شکار(نامه) از مجدالدین بن محمد شفیع هاشمی عباسی و به نام عبدالله‌خان از فرمانروایان عهد صفوی، در مقدمه و دوازده باب از دیدگاه فقهی.

نسخ متعدّد این صیدنامه‌ها از جمله در کتابخانه‌های ملک، مجلس، آستان قدس رضوی، دانشگاه تهران، بریتیش میوزیوم محفوظ است. (← منزوی، ج ۱، ص ۳۹۷-۴۲۸؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۱، ص ۱۰۵؛ تذکره نصرآبادی، ص ۱۸۴)

از صیدنامه خانی نسخه منحصربه‌فردی شناخته شده که هنوز تصحیح نشده است. صیدنامه دیگری از همین مؤلف وجود دارد که نسخه‌های متعدّد از آن شناخته شده و تصحیح شده است. درباره صیدنامه خانی مطالب جسته‌گریخته‌ای در جوف دیگر نوشته‌ها آن با هم با خلط آن با صیدنامه‌ای دیگر نوشته شده است. درباره صیدنامه‌ها مقاله‌هایی

نیز نوشته به قلم پژوهشگران چاپ و منتشر شده از جمله علی غروی (ص ۱۲۱۷)، در «تاریخچه مختصر بازنامه نویسی و معرفی چند بازنامه»؛ فلیپ تاونر در «تاریخچه علوم طبیعی در نوشته های فارسی»^{*}؛ پرویز اذکائی در «باز و بازنامه های فارسی». در این مقاله ها از صیدنامه خانی سخنی نرفته است. در دانشنامه جهان اسلام، ذیل «صیدنامه»، بسیاری از بازنامه ها و صیدنامه ها برشمرده شده است.

۲ مولا محمد سلیم رازی

محمد سلیم رازی از علمای قرن یازدهم هجری است. تاریخ ولادت و وفات وی مشخص نشده است. خود او هم، در آثارش، به زندگینامه خود اشاره ای نکرده است. از تاریخ کتابت آخرین نسخه هایی که از وی به جای مانده، می توان حدس زد که تا سال ۱۰۶۹، مقارن سلطنت شاه عباس دوم صفوی، زنده بوده است.

رازی از شاگردان سیدحسین بن رفیع الدین حسینی مرعشی (۱۰۰۱ اصفهان- ۱۰۶۴ مازندران) مشهور به سلطان العلماء حسینی، عالم جلیل القدر قرن یازدهم هجری، خلیفه سلطان و، وزیر اعظم شاه عباس دوم، و از فقیهان شیعه است. از دیگر شاگردان سلطان العلماء آقا حسین خوانساری صاحب مشارق الشموس، علامه مجلسی صاحب بحار الانوار، میرزا عیسی صاحب الریاض، میرزا عبدالرزاق کاشانی، ملا ابوالخیر محمدتقی فارسی صاحب رساله معرفه التقویم را می توان نام برد.

۲-۱ آثار و سبک نویسندگی مولا محمد سلیم رازی

صیدنامه خانی، رساله ای در آداب شکار در انواع جانوران بر مبنای دینی و فقهی، طی نود و هفت روز (غرة رمضان تا ۷ ذی حجه ۱۰۶۸) برای شیخ علی خان امیر خراسان نوشته شده است. مؤلف آن رساله دیگری به نام صیدنامه دارد که نباید آن را با صیدنامه خانی اشتباه گرفت اما نسخه های این دو رساله در الذریعه (آقابزرگ طهرانی، ج ۱۵، ص ۱۰۵) و فهرست واره فقه هزار و چهارصد ساله، (ص ۸۸) با درهم آمیختگی آن دو رساله معرفی

* صیدنامه ای به نام صیدیه در مرکز تحقیقات زبان فارسی ایران و پاکستان (اسلام آباد) چاپ شده که چاپ دیگری هم دارد. مؤلف در این مقاله به آن اشاره نکرده و ظاهراً از آن اطلاع نداشته است. علی اشرف صادقی

شده است. نسخ موجود در کتابخانه‌های مجلس، مرعشی و سپهسالار، به نام محمد سلیم رازی معرفی شده اند. آغاز صیدنامه خانی است:

سیرآهنگ نوایی که عندلیب هزارستان زبان درگوشش بیان بدن ترنم نماید و رسا آوازی که طوطی پرمعرفت گفتار در آئینه‌خانه نطق تکلم به آن کند حمد معبودی است مهربان که مرغ رمنده جان را دانه‌خوار جود و احسان نموده، قمری وار طوق اطاعت برگردن نهاد...

و انجام آن است:

... می‌توان فعل مکروه را عبارت از دادن شیر و مرجع باس به را خوردن گوشت و شیر عناقه [دانست] و الله اعلم بالصواب.

همچنین، در مجموعه نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه‌ای به نام صیدیه محفوظ است که پدیدآورنده آن مولی محمد سلیم رازی است و این رساله بخشی از یک مجموعه رسائل به نام مجمع الحکم است شامل چهل و هفت رساله. صیدیه نیز رساله‌ای است در حیوان‌شناسی و آراء فقهی، ظاهراً خلاصه‌ای از صیدنامه و نه صیدنامه خانی. زیرا این خلاصه همچون خود صیدنامه با عبارت «صدر رسائل دین مبین...» آغاز شده است. پرویز اذکائی نسخه‌های خطی آن را، بنابر فهرست احمد منزوی، ج ۱، ص ۴۳۱، معرفی کرده است.

صیدنامه، در احکام صید و شکار که برای صدرالسلطنه نوشته شده است. آغاز آن: صدر رسائل دین مبین جز شکر نعمت پادشاهی که فضای وجود شکارگاه قدرت اوست نشاید و به غیر از حمد موهبت کارسازی که سرگردن‌کشان... و بعد این چند کلمه‌ای است بر وفق اراده مخدوم لازم‌الإطاعه... لازلت کاسمه الشریف صدرا و فی السماء السلطنه بدرا.

و انجام آن:

از حیوانات بحری همین ماهی که او فلس داشته باشد حلال باشد و غیر آن حرام بود والله اعلم.

متأسفانه آنچه از اطلاعات کتاب‌شناسی این نسخه در کتابخانه مجلس به دست داده شده، اطلاعات نسبتاً مفصّلی است متعلق به نسخه‌ای دیگر با عنوان مجموعه نظم و نثر (جنگ درویش میرمسعود بن درویش نصرت اصفهانی) که کمترین نسبتی با صیدنامه ندارد.

صیدنامه در کل پنج برگ است. دارای رکابه و به خط نستعلیق ساده و خوانا است،

عنوان‌ها و نشانه‌ها در متن با شنگرف تزیین شده‌اند. جلد آن نو و تازه و نوع کاغذ اصفهانی و قطع نسخه ۱۷/۵×۱۳/۵ سانتیمتر است. کتابت آن در «غزۀ شهر جمادی‌الأول» صورت گرفته و، به دنبال کلمه «سنه» سال کتابت «صیدنامه» و رساله دوم مرقوم نشده است. اما در پایان مجموعه رسائل، سال کتابت رساله فقه فارسی «التاریخ شهر ذی‌القعدة الحرام من شهر سنة ثلاث و سبعین و الف من الهجرة النبویه» (۱۰۷۳) و سال کتابت رساله مضممار دانش (فَرس‌نامه) «شهر ذیحجه الحرام ۱۰۷۹» ذکر شده است.

شرح صحیفه سجّادیه که اثری حجیم است که در سال ۱۰۰۶ تألیف شده و صاحب‌الذریعه آن را در کتابخانه حاجی محمدحسین کُبه در بغداد دیده است (← فهرست نسخه‌های خطی، ج ۹، ص ۲۷۰). سلیم رازی، در این شرح از وراق جرجانی روایت حدیث کرده است.

شرح لغز القانون، با دو تلخیص یکی الموجز، دیگری قانون‌چه، شرحی است لطیف به زبان فارسی مشتمل بر بسیاری از مسائل طبی و مطالبی در ریاضیات که در سال ۱۰۶۰ تألیف شده است. شارح تمامی آن را در اثر دیگر خود به نام ملتقطات وارد کرده و، در پایان آن، دفع برخی اعتراضات را افزوده است. آقابزرگ طهرانی آن را در کتابخانه سیدحسن صدر دیده است. (← آقابزرگ طهرانی، ج ۱۴، ص ۴۶)

۳ نسخه صیدنامه خانی

نسخه خطی صیدنامه خانی به شماره ۶۱۶۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است. این نسخه به خط نستعلیق، ۳۴۲ صفحه در هر صفحه ۱۹ سطر دارای رکابه، با جلد تیماج و ترقیمه‌ای حاوی ذکر نام کاتب نجف علی حسینی در جزینی در سال ۱۰۶۸ کتابت شده است. محمد سلیم رازی، ضمن معرفی خود در آغاز کتاب، گزارش کرده که، چون عازم سفر حج شد، به مجلس «خسرو مکانی مهماندار علی عمرانی شیخ علی‌خان بلغه الله تعالی الی اقصی مراتب الکمال و رزقه بیمنه احسن الاحوال» رسیده و در سبب تألیف این صیدنامه آورده است:

بعد از دریافت شرف خدمت سامی منزلش، چنین معلوم شد که، بعد از توفیق طاعات

به واجبی و نسق مملکت کماهی و ضبط احوال عساکر نصرت اثر کما ینبغی، امری که مرغوب طبع آن عالیجناب دشوارپسند باشد نیست غیر از شکار و، بنابر پاکی طینت و اعتقاد و تتبع مسائل در همه مواد که از صحبت علماء رفیع القدر و ملاحظه کتب معتبر دست به هم داده، مهارت تام در احوال صید از علمی و عملی هر دو داشتند. دفینه‌ای از دقایق شرعی که رعایت آن در شکار درکار است فوت و فروگذاشت نداشته قدم از جاده شرع شریف بیرون نمی‌نهادند. پس به تقریبات رسید سررشته سخن به جایی که این بی‌بضاعت نسخه موسومه به صیدنامه خانی تألیف نموده به نظر کیمیا اثر آن رموزدان اسرار غیبی جلوه‌گر آرد تا وقت احتیاج تذکر دلایل مسائل مأخذ عقلی و نقلی به آسانی به دست آمده به اشارت توان یافت، و مرتب ساخته نسخه را بر یک مقدمه دو باب. و الی الله المرجع و الماب. (صیدنامه خانی، برگ ۳ رو)

۳-۱ ابواب و فصول صیدنامه خانی

صیدنامه خانی شامل مقدمه و دو باب، هر باب در چند فصل و هر فصل در چند مطلب است به شرح زیر:

باب اول، در ذکر اصناف حیوانات آبی و ارضی و هوایی (به ترتیب حروف تهجی)، مشتمل بر سه فصل: **فصل اول**، در بیان حالات حیوانات بحری یعنی آبی از خواص و امکانه و اغذیه و احکامش از حیثیت و حرمت و متجزی است به سه مطلب در ذکر احوال و صفات حیوانات بحری بر سبیل اجمال؛ اوصاف و احوال بعضی از اصناف آبی بر سبیل تفصیل؛ اقسام حلال و حرام حیوانات بحری.

فصل دوم، در بیان حالات و اوضاع حیوانات بزی یعنی ارضی. متجزی به سه مطلب در ذکر مجملی از احوال اصناف حیوانات بزی؛ احوال بعضی از این اصناف به سبیل تفصیل و تعداد اسماء به ترتیب حروف تهجی؛ اصناف حلال و حرام حیوانات بزی به نحوی که توافق داشته باشد با احادیث نبوی و ائمه علیهم‌السلام و دانستن آن دو طریق باشد: یکی در ذکر احادیث داله بر احکام بزی به نحو استنباط و استخراج و ذکر الفاظ حدیث و معنی حدیث؛ دیگر در ذکر بعضی از احادیث منصوص در بعضی از حیوانات بزی، هم با ذکر الفاظ و معنی حدیث.

فصل سیم، در ذکر حیوانات هوایی که عبارت آید از طیور مشتمل بر سه مطلب در بیان احوالات مجمله طیور؛ در تفصیل بعضی از طیور قطع نظر از حیثیت و حرمت آن و ترتیب اسامی به ترتیب حروف تهجی؛ در بیان حلال و حرام اصناف طیور و دانستن آن از دو طریق باشد: یکی در بیان اخبار و احادیث ائمه اطهار علیهم‌السلام که بوجه کلی حلال و حرام افراد طیور غیر منصوص بر تحریم و تحلیل را از آن اخبار

توان استنباط کرد، دوم در بیان اخباری که حکم بعضی به خصوص مذکور است با ذکر الفاظ و معنی حدیث. باب دوم، در بیان اموری که در کار است در جوازِ اَکْلِ صید طاهرالعین و، به انتفاء آن، امورِ حلال فی نفسه بالعرض حرام شود؛ و این امور معتبره منقسم است به دو قسم وجودی و عدمی؛ و قسم وجودی منقسم است به دو قسم آلات صید و تذکیه [= سر بُریدن] که اعم از ذبح و نحر است؛ و قسم عدمی آن عبارت است از جلاله نبودن حیوان که انتفاء آن نفی در نفی است.

این باب مشتمل است بر سه فصل:

فصل اول، در بیان آلات شکار که به کدامیک جایز است شکار کردن و حیوان حلال باشد و به کدام از آنها حرام هرگاه تذکیه نبینند.

فصل دوم، در بیان تذکیه و کیفیت و شرایط آن.

فصل سوم، در بیان حکم جلاله [حیوانی که پلیدی انسان خورد و در حدیث است نُهَى عَنْ لُحُومِ الْجَلَالِهِ، نُهَى عَنْ لَبَنِ الْجَلَالِهِ] بودن حیواناتِ جایزِ الأکل و طریق تطهیر آن تا پاک گشته حلال باشد.

فصل چهارم، در بیان آلاتی که بدان صید کنند و جایز باشد خوردن صید به محض همان آلت بی احتیاج بود در تذکیه [با ذکر احادیث دالّه].

در این نسخه به بیش از سیصد حیوان اشاره شده است از قبیل حریش، خنز، ذراریح، سنور، ابوهارون، دُرَّاج، زاغ الزَّرْع، طاووس، عنقا، غرنیق با ذکر اسامی ترکی و مغولی و عربی حیوانات در برخی موارد. نمونه‌های آن است: «أُتِيسَ بِهَ زَبَانِ یُونَانِ نَامِ مَرغِیِ اسْتِ کِه بِا اسْبِ عداوتِ دَارِدِ وَ کَشْنَدَهُ اوست» (ص ۷۸). «اریطس به لغت یونانی نام سبعی است که در زمین هند می‌باشد». (ص ۲۸)

در معرفّی حیوانات، ویژگی‌های ظاهری و کلی و بعضاً محیط زیست آنها؛ خواصّ دارویی و حلال و حرام بودن آنها بیان و، به مقتضای سخن، به آیه و حدیث و بیت شعر استشهاد شده است. مؤلف، در استشهاد، ابتدا حدیث یا روایت را ذکر کرده سپس به معنی الفاظ حدیث و خود حدیث پرداخته است. وی، در این شرح، به منابعی همچون شفاى ابن سینا، تعلیم اول ارسطو، عجایب المخلوقات، جامع الحکایات، نهابه، قاموس استناد کرده است.

۳-۲ ویژگی های زبانی صیدنامه خانی

صیدنامه خانی نیز از جمله آثاری از نوع خود است که جنبه فقهی آنها موضوع را تحت الشعاع قرار داده است. به تصریح مؤلف، هدف اصلی از نگارش آن، بیان اصول فقهی و عقلی و نقلی با استناد به مراجع معتبر برای یکی از امرای خراسان بوده است. زبان این اثر، جز در بخش مقدمه، ساده و عاری از صنایع است. مقدمه به نثری مصنوع و گاه مسجع و حاوی ترکیبات وصفی تازه (رساآواز، سیرآهنگ) است. محتوای مقدمه، پس از تحمیدیّه و نعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سخن از امامان شیعه علیهم السلام بیان سبب تألیف کتاب و ستایش مبالغه آمیز شیخ علی خان است که اثر به نام او و برای او تألیف شده است.

تعبیرات و اصطلاحات و امثال به سیاق زبان عربی به وفور در متن اثر مندرج است. به لحاظ شیوه املائی، صامت «گ» همه جا به صورت «ک» آمده؛ حرف اضافه «به» متصل به کلمه بعد از آن نوشته شده؛ در ترکیبات عربی، رسم الخط عربی رعایت شده؛ نشانه نکره در آخر کلمات مختوم به های بیان حرکت به صورت همزه (ه) ضبط شده؛ الف غیر ملفوظ در مواردی چون «درین» (ص ۴۳)، «آنست» (ص ۸۰) حذف شده؛ در مواردی، واژه های مستقل پیوسته به هم نوشته شده اند («یکدم» ص ۴۷)؛ نشانه اضافه در برخی موارد حذف شده («بچیزها دیگر» (ص ۱۱۶)؛ «بی» و «ن» نشانه نفی در آغاز صیغه فعل جدا نوشته شده است («به بینم» ص ۵۲؛ «نه بینی» ص ۱۴۴).

ضبط هایی دیگر به صور زیر است:

صیغه های فعل «برخاستن» همه جا با او معدوله («برخواستن» ص ۱۰۰)؛ «پیا» به صورت «پیا» (با ادغام نقطه های دو حرف ص ۴)؛ در مواردی، پس از ذکر نام ائمه اطهار، علامتی شبیه به «۴» به جای (ع)؛ پس از نام رسول اکرم نشانه اختصاری «صلی الله علیه و آله و سلم» به صورت «صلعم»؛ «سوم» به صورت «سیوم» (ص ۱۴۶)؛ افتادگی های متن در حاشیه آمده و با نشانه هایی شبیه ۷ و ۴ بالای کلمه مشخص شده است. (برگ ۱۶۸ رو، سطر ۱۳؛ برگ ۲۶ پشت،

سطر ۴)

منابع

- آقابزرگ طهرانی، محمدحسین، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، گردآورنده احمد بن محمد حسینی، دارالأضواء، بیروت، بی تا.
- اتابکی، پرویز، فرهنگ جامع کاربردی فرزانه عربی-فارسی: از دیرینه ایام عرب تا نوترین واژگان علم و ادب، فرزانه روز، تهران ۱۳۸۰.
- اذکائی (سپیدمان) (۱)، پرویز، «باز و بازنامه‌های فارسی»، هنر و مردم، ش ۱۷۶ (خرداد ۱۳۵۶)، ص ۲-۱۳.
- (۲)، «باز و بازنامه‌های فارسی»، هنر و مردم، ش ۱۷۷ و ۱۷۸ (تیر و مرداد ۱۳۵۶)، ص ۳۷-۴۵.
- تاریخ ایران کیمبریج، گروه نویسندگان، ترجمه تیمور قادری، مهتاب، تهران ۱۳۹۲.
- دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر مصطفی میرسلیم، مؤسسه دایرةالمعارف اسلامی، تهران ۱۳۷۵.
- رازی، محمد سلیم، صیدنامه خانی، نسخه خطی مورخ ۱۰۶۸ محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ۶۱۶۷.
- شریفی گرگانی، ابوالفتح، فهرستواره فقه هزار و چهارصدساله اسلامی در زبان فارسی، به اهتمام محمدتقی دانش‌پژوه، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۷.
- غروی، علی، «تاریخچه مختصر بازنامه‌نویسی و معرفی چند بازنامه»، وحید، ش ۹۵، دوره نهم، آبان ۱۳۵۰، ص ۱۲۱۵-۱۲۱۸.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، زیر نظر محمود مرعشی نجفی، به کوشش سیداحمد حسینی اشکوری، (۳۴ جلد)، انتشارات ولایت، قم ۱۳۶۴.
- منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۸۵.
- نصرآبادی اصفهانی، میرزا محمدطاهر، تذکره نصرآبادی، نشر ارمان، تهران ۱۳۱۷.

□